

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشکده هنرهای تجسمی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: عکاسی

عنوان

بررسی تاریخچه عکاسی یزد

استاد راهنما

جناب آقای فرهاد سلیمانی

عنوان بفتش عملی

حافظه های معلق

استاد راهنما

جناب آقای فرهاد سلیمانی

نگارش و تمقیق

محسن خیرخواه

بهمن ۱۳۹۰

چکیده:

شهر کویری یزد به دلیل خشک بودن هوای آن و نیز به دلیل محصور بودن در ریگزارهای مرکزی ایران کمتر مورد تاخت و تاز بیگانه قرار گرفته است، از این رو دارای فرهنگ ناب ایرانی و آثار تاریخی بیگانه‌ای است. استان یزد را به عبارتی می‌توان گنجینه تاریخ دانست. هم سنگ نگاره‌های چندین هزار ساله را در دامان کوه‌های «ارنان» دارد و هم غارهای تاریخی مانند «شیر کوه» و غار شگفت «یزدان عقدا» که زیستگاه انسان‌های نخستین بوده، هم زیستگاه‌های که وابسته به دوران مهر پرستی است و در کنار چشمه «غربالریز» قرار داشته است. از سویی دیگر هنوز گروه‌های ریشه دار کهن مانند زردتشتیان در آن سکونت دارند که با زبان نیاکان خود سخن می‌گویند و به همان آئین و روش زندگی می‌کنند و جامعه می‌پوشند.

هنوز در این دیار کهن ساختمان‌هایی همچون مسجد جامع فهرج وجود دارد که از لای جزرهای آن بوی عود و کندر می‌آید و بر دیواره های آن نگارهای ساسانی دیده می‌شود. پس از پیروزی اسلام از نیایشگاهی کهن به ستایش گاهی اسلامی بدل گشت. از این روست که در سفرنامه‌های بیگانگانی چون ابراهیم ویلیامز، سفر نامه جکسون، سون هدین (کویرهای ایران)، ادوارد براون (یکسال در میان ایرانیان)، کلنل مک گرگر (سفرنامه خراسان)، ناپیر ملکوم (پنج سال در یک شهر ایرانی) را دید.

در این میان عکاسان یزدی نیز به سهم خود از ابتدای پیدایش عکاسی در یزد تا به امروز به ثبت چهره، شخصیت‌ها و مناظر و رویدادهای این شهر پرداخته‌اند.

سابقه عکاسی در یزد به اواخر دوره قاجار باز می‌گردد و اولین عکاسخانه‌های عمومی از اوایل دوره پهلوی اول دایر می‌شود و متناسب با نیازهای روز خارج از فضای آتلیه نیز دوربین به دست در گوشه و کنار این شهر به عکاسی می‌پردازند. (مانند عکاسی از مناسبت‌های مذهبی، دولتی، خانوادگی و غیره).

در دوره انقلاب و دفاع مقدس نیز معدود عکاسانی با دور اندیشی و علاقه وقایع زمان خود را برای همیشه در حافظه تاریخی این مرز و بوم ثبت کردند. تحقیق پیش رو گوشه‌هایی از تاریخچه عکاسی در شهر یزد که بدلیل فقدان منابع مکتوب به روش تحقیق میدانی گردآوری شده است. و هدف اصلی آن شناسایی و معرفی پیشگامان عکاسی در شهر یزد و جمع آوری و شناسایی عکس‌های قدیمی است. تا حتی المقدور بخشی از فرهنگ و تاریخ کشورمان از گزند فراموشی و محو شدن در غبار زمان مصون بماند.

واژگان کلیدی: عکاسی، تاریخ، یزد

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول

نگاهی به تاریخ عکاسی ایران ۴

فصل دوم

- نکات فنی عکس های قدیمی ۱۱

- مدت زمان در عکس برداری ۱۲

- صحنه های عکس و مونتاژ در عکاسی ۱۳

- چاپ عکس از روی شیشه ۱۴

- رنگ و تغییر رنگ عکس ۱۶

- ظهور و ثبوت شیشه عکس ۱۸

فصل سوم

- پیشگامان عکاسی در یزد ۲۰

- میرزا محمد صالح یزدی ۲۴

۲۸.....حسینعلی عکاس

فصل چهارم

۳۴.....اولین عکاس خانه های عمومی در یزد

نسل اول

۳۶.....میرزا محمد علی خان اصفهانی (عکاسخانه چهره نما)

۴۱.....هدایت الله روحانی (عکاس خانه خورشید)

۴۴.....مهدی خان و رضا خان شیرمحمدی (عکاسی چهره نما)

۴۵.....محمود اطمینان عرب (عکاسی ظریف)

نسل دوم

۴۶.....عزیز الله اخوان صفا (عکاسی آفتاب)

۵۰.....محمدشیبانی (عکاسی شیبانی)

۵۱.....رحیم خان شیر محمدی (عکاسی شاهین)

۵۷.....محمود مشروطه

نسل سوم

۵۹.....سید محمد فقیهی (عکاسی هنر)

۶۱.....محمود مضطرزاده (عکاسی شهلا)

۶۳.....علی نوکار (عکاسی سایه)

۶۶.....-حسن شیوا(عکاسی شیوا).....

فصل پنجم

۶۹.....عکاسان انقلاب و دفاع مقدس.....

۷۰.....-شهید رمضان احمدی.....

۷۲.....-اکبر الفت.....

۷۴.....-عبدالجبار قرائی تفتی.....

۷۷.....نتیجه گیری.....

۸۰.....گزارش پروژه عملی: (حافظه های معلق).....

۹۰.....منابع و مآخذ.....

۹۱.....پیوست تصاویر.....

مقدمه

زبان تصویر زبانی گویا، بی واسطه و جذاب است که به راحتی و بسیار صریح پیام متن مستتر در خود را به مخاطب انتقال می دهد. نیاز انسان به تصویر از همان ابتدا و از دوران غار نشینی با او همراه بوده است. نقاشی های غار "لاسکو" در فرانسه با پیشینه ای ۱۵ هزار ساله و غار "میر ملاس" در لرستان با قدمتی ۱۲ هزار سال، و همچنین استفاده از خط تصویری (خط هیروگلیف) بعنوان روشی جهت انتقال مفاهیم، گواهی بر این مطلب هستند.

با ظهور انقلاب رنسانس و گرایش به رئالیسم، نیاز دست یابی به خلق تصاویر مشابه با واقعیت بیرونی مقدمات اختراع عکاسی را به وجود آورد. تصاویر مستندی که در حافظه آینه وار خود، لحظه ای از جریان زمان را در قاب خود اسیر می کند و امکان بازگشت به گذشته از دست رفته را برایمان فراهم می سازد.

گذشته از جذابیت های ناشی از جادوی عکاسی، جنبه استنادی عکس های قدیمی مسئله قابل توجهی است. این تصاویر بعنوان منابعی مستند، بی پروا، صریح و بی واسطه، امکان مشاهده و مطالعه دقیق جزئیات احوالات گذشتگان را فراهم می سازند. چنانچه اهمیت این عکس ها به عنوان اسناد تاریخی بر کسی پوشیده نیست. پژوهش هایی که در سالهای اخیر درباره تاریخچه عکاسی و عکس های قدیمی در کشورمان صورت گرفته ناشی از اهمیت این مقوله است. چرا که تاریخ هر مرز و بوم، سرمایه گران قدری است که باید مورد نگرش، تدوین و پاسداشت قرار گیرد. از آن جا که روز به روز دست یابی به این تصاویر و مطالعه و شناسایی عکس های قدیمی مشکل تر می شود و نیز از آن جایی که هیچ پژوهش

قابل توجهی در مورد تاریخچه عکاسی در یزد صورت نگرفته است، وظیفه خود دانستم که این پژوهش با اهمیت و ضروری را انتخاب نمایم. زیرا احتمال آن می رفت تا سالیان دراز مطالعه ای بر احوال عکس و عکاسان قدیمی یزد صورت نگیرد. که نتیجه آن به فراموشی سپرده شدن و نابودی اطلاعاتی می شود که هم اکنون قابل دست یابی هستند. چنانکه خود در حین تحقیقات این رساله دریافتم، که اگر فقط چند سال زودتر این پژوهش انجام شده بود بیش از نیمی از اطلاعاتی که امروز دست یابی به آن غیر ممکن می نماید قابل شناسایی بود. چرا که تا همین چند سال گذشته بسیاری از افراد مطلع در قید حیات بوده اند. یا در موردی چند هزار شیشه و فیلم به دلیل عدم شناسایی در تخریب یک خانه قدیمی، از بین می رود. و نیز مواردی که ممکن است از آن بی خبر باشیم.

در همان مختصر پرس و جو که قبل از انتخاب پایان نامه ام انجام داده بودم و نیز به توصیه یکی از همکاران که تحقیقاتی مختصری کرده بود، از انجام این پژوهش منصرف شدم. زیرا به نظر می رسید گذشته عکاسی در یزد آن چنان شاخصه و سابقه خاصی ندارد. اما اهمیت موضوع و بیم از بین رفتن همین اندک اطلاعات مرا بر آن داشت که قدم در این راه دشوار بگذارم. و اکنون پس از گذشت یک سال و اندی از شروع این تحقیق، خود را ابتدای این مسیر گنگ و طولانی می یابم و امیدوارم در آینده پس از تکمیل همه جوانب این موضوع بتوانم سهمی در شناسایی و حفظ این مقوله از تاریخ و فرهنگ کشورمان داشته باشم. اهمیت این موضوع محدود به شناسایی و جمع آوری عکس ها و اطلاعات مربوط به عکاسان آن نمی شود. بلکه برای علاقه مندان و پژوهشگران در دیگر زمینه ها من جمله، فرهنگ شناسی، جامعه شناسی، انساب شناسی، معماری سنتی، پوشاک و غیره قابل استفاده خواهد بود.

همان طور که ذکر گردید این پژوهش تا تکمیل نهایی راهی طولانی در پیش دارد و در حال حاضر نقایص فراوانی دارد که دلیل آن علاوه بر کاستی های نگارنده، به عواملی هم چون در دست نبودن و از بین رفتن و معدوم شدن عکس های اکثر عکاسان، نابسامانی آرشیوهای به جا مانده، فوت بسیاری از مطلعین، بی نام و نشان بدون عکس ها و کھولت و بی حوصله گی و زوال حافظه سایر مطلعین در قید حیات، عدم اعتماد صاحبان عکسها بدلیل سوءاستفاده های قبلی، و از همه مهمتر عدم همکاری مناسب مسئولین ذیربط و صاحبان مجموعه های خصوصی مربوط می شود. به عنوان مثال در حال حاضر بالغ بر

۵۰۰ عکس از بهترین ، قدیمی ترین و شاخص ترین عکس های تاریخی یزد که از سوی برخی خانواده ها به یکی از مراکز فرهنگی اهدا شده است، در انبار این مرکز به طرز نچندان مناسبی نگهداری می شود که نه تنها اجازه دیدن همه عکس ها را به اینجانب داده نشد، بلکه از میان عکس های رویت شده نیز تنها اجازه کپی برداری از چند نسخه عکس داده شد. و یا در موردی تنها به بهانه مشغله کاری انباردار با درخواست اینجانب مبنی بر دیدن عکس ها موافقت نگردید.

اکثر عکسهای بدست آمده فاقد نام و نشان عکاس بودند. و بسیاری از آنها از روی محدوده تاریخی و نشانه های مشترک با عکسهای شناخته شده، عکاسانشان مورد شناسایی قرار گرفتند. به هر صورت نتیجه پژوهش صورت گرفته، رساله پیش روست که با همه کاستی ها در فصل نخست نگاهی به پیشینه عکاسی در ایران دارد. در فصل دوم نکات فنی عکسهای قدیمی مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم پیشگامان عکاسی در یزد در اوایل دوره قاجار معرفی می شوند. و در فصل چهارم، اولین عکاسخانه های عمومی در دوره پهلوی اول و دوم مورد بررسی و معرفی قرار می گیرند. و در نهایت در فصل آخر به چند تن از عکاسان انقلاب و دفاع مقدس می پردازد. با توجه به محدودیت زمانی و محدودیت کمی و کیفی عکاسان معاصر یزدی و همچنین عنوان رساله از معرفی عکاسان معاصر صرف نظر شد. در انتها تعدادی عکس پیوست گردیده است.

فصل اول:

نگاهی به تاریخ عکاسی ایران

کلمه ی عکس در زبان و ادبیات فارسی در معانی مختلف، از جمله به معنی افتادن تصویر اشیاء در آینه و آب و نظایر آنها به کار رفته است. در لغت نامه ی دهخدا شواهد زیادی در این معنی از نظم و نثر آورده شده است.

«عکس روی تو چو در آینه ی جام افتاد عارف از خنده ی می در طمع خام افتاد»

لفظ عکاس در کتاب گلستان هنر تالیف "قاضی احمد منشی قمی" هم دیده می شود و در آنجا نوشته شده: «مولانا کپک از هرات بود. عکس را خوب می ساخت...»^۱

«موقعی که فن عکاسی به ایران وارد شد ایرانیان کلمه ی عکس را که اصطلاح مرسوم و سنتی هنرمندان گذشته برای منعکس شدن صورت اشیاء در آینه و آب و بعضی فلزات بود به کار بردند. ایرانیانی که از اواخر قرن نوزدهم برای تجارت و سیاحت به بلاد فرنگ و عثمانی و هند و قفقاز می رفتند و به یادگار عکس می انداختند، اصطلاح عکس را به جای فتوگرافی پذیرفته بودند و استعمال می کردند.»^۲

«عکس برداشتن ظاهراً به ملاحظه ی برداشتن درپوشی بوده است که بر روی دستگاه عکاسی می گذاشته اند و چون آن را برمی داشته اند عکس شخص یا شی بر شیشه می افتاده است.»^۳

«براساس آخرین پژوهش های انجام شده اولین دوربین عکاسی در سال ۱۸۴۲ میلادی یعنی سه سال پس از اختراع دوربین عکاسی در فرانسه، توسط امپراتور روسیه به دربار محمد شاه اهدا گردید. و توسط یک دیپلمات روس به دربار ایران منتقل و اولین عکسها نیز در همان ایام برداشته شد. دوره ی ناصری باید دوره ی شکوفایی عکاسی در دوران قاجار و یا ایران قرن نوزدهم دانست. وی - ناصرالدینشاه - باتاسیس

^۱ افشار ایرج-گنجینه عکسهای ایران-نشر فرهنگ ایران-۱۳۶۳ص ۲۸

^۲ همان-ص ۲۹

^۳ همان-ص ۲۶

عکاسخانه ی کاخ گلستان و نیز تشویق و حمایت عکاسان، توانست تصاویر یا به عبارتی اسناد هنری و تاریخ گرانبهایی از ایران آن روز ثبت نماید.

تاسیس رشته ی عکاسی د ر مدرسه دارالفنون نشان از اهتمام او به این امر دارد.^۴

«وجود عکسهایی با کیفیت نامطلوب و مربوط به اوایل سلطنت ناصرالدین شاه که میتوان آنها را حاصل از روش نگاتیو کاغذی (تالبو تایپ) دانست. - از جمله آلبوم شماره ۳۱۰ آلبوم خانه کاخ گلستان که از عمارتی در رشت عکسبرداری شده - ، این احتمال را که لااقل در دربار ناصرالدین شاه در بین سالهای ۱۲۶۶-۱۲۷۷ ه.ق عکاسی رواج پیدا کرده است، قدرت می بخشد»^۵

«همچنین وجود کتابی در کتابخانه ی سپهسالار با عنوان فتوگرافی که درباره ی تالبوتایپ در آن بحث شده است و تاریخ نگارش آن به قبل از سال ۱۲۷۰ ه.ق - ۱۸۵۳ م- می رسد، اگر چه نشانی از نویسنده مشخص بر آن نیست اما نمی توان آن را بی ارتباط به وجود پدیده ی عکاسی در دربار ناصرالدین شاه دانست.»^۶ محمد حسن خان صنیع الدوله - اعتمادالسلطنه - در دو کتاب مهم خود به نامهای المآثر و الآثار و مرآت البدان جلد۴، شرح کامل فعالیت های سیاسی، اجتماعی، خدمات، روابط خارجی، سفرهای دوره ناصرالدین شاه را نوشته است. این کتاب ها از منابع مهم مورد استفاده پژوهشگران در زمینه وقایع دوره ناصری هستند. اعتمادالسلطنه عکاسی را نیز به عنوان یکی از اقدامات مهم که در این دوره صورت گرفته، به صورت کامل توضیح داده است:

^۴ عکسهای تاریخی دوره قاجار-برگزیده ی عکسهای آلبوم خانه کاخ گلستان-ناشر کاخ گلستان تهران ۱۳۸۰ صفحه ۷ و ۸
^۵ -طهماسب پور، محمد رضا-ناصرالدین شاه عکاس-گروه ناشران ۸۰-نشر تاریخ ایران-ص ۳۵
^۶ -همان-ص ۲۴

«در اواخر عهد شاهنشاه مرور غازی البسمه الله ثواب النور - محمد شاه - مسیو ریشار خان که اکنون زبان انگلیسی و غیره مدرسه ی دارالفنون را معلم است، با زحمات زیاد بر روی صفحه نقره عکس می انداخت و در اوایل سلطنت شاهنشاه روحانفاده که بنای مدرسه دارالفنون شد موسیو کرشیش نمساوی معلم توپخانه قدری بر روی کاغذ امتحانات عکاسی نمود. موسیو فوکتی معلم طبیعی اولین کسی است که در مدرسه تهران کلودیون استفاده نمود و موسیو کارلیان که برای علم و عمل عکاسی با فرخ خان امین الدوله از پاریس به تهران آمد عکس کلودیون را شایع کرد. و چون خاطر خطیر همایون بر رواج و ترقی این علم تعلق گرفت، خود ذات ملکوتی صفات شاهنشاهی بر این علم تامه، یافته بر آن شدند که یکی از چاکران دربار حضرت شاهنشاهی و خاصان حضرت همایون نیز در این فن مهارتی تمام یابد که سفرأ و حضرأ به موجب امر قدر قدر ملوکانه آشنا و غریبه و ابنیه و آثار قدیمی را عکس بردارد، و خاطر مبارک همایون را در اوقات فراغت بدان مشغول سازد. پس آقا رضا پیش خدمت خاصه که امروز آجودان مخصوص همایون و خازن صرف جیب مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی و محل وثوق و اعتماد کامل الصفات خسروانی و از خانزادان حقیقی و تربیت یافتگان این دولت قوی شوکت است، به آموختن این علم شریف بر حسب امر همایونی مامور گشت. چندی بر نیامد که از یمن توجهات ملوکانه در این علم تکمیل یافت و شناسایی کامل حاصل نمود. خاطر مبارک همایونی از این معنی خرسند گشت. مشار الیه را به عوطف ملوکانه مفتخر ساخته و از برای انتشار این علم و وسعت در این عمل یکی از اماراتمخصوص پادشاهی را مخصوصاً عکاسخانه مبارکه فرموده که گاهی که از کارها فراغت حاصل می نمودند برای تماشا و ترقی این علم به اینجا تشریف می بردند.»^۷

^۷ - مرآت البلدان-جلد دوم-ص ۲۱ و ۲۲

"بروگش" در سفرنامه اش به ایران در مورد کارلیان و ورود دو عکاس اروپایی به تهران اشاره می کند که از حوادث جالب ماه دسامبر - سال ۱۸۶۰ میلادی - در تهران این بود که ناصرالدین شاه دو نفر عکاس اروپایی را با خرج خود به تهران آورده بود و چند روز قبل یکی از این عکاسان به نام خانم کارلیون یک عکس دسته جمعی از ناصرالدین شاه در وسط کابینه برداشت. و آقا رضا خان اقبال السلطنه عکاسی را در عکاس خانه مبارکه همایونی و نزد کارلیان آموخت.

اعتمادالسلطنه در کتاب المآثر و الآثار نیز به عکاسی اشاره کرده و به عنوان یکی از اولین ترقیات زمان ناصری به آن پرداخته است:

«... اصل شیاع و رواج و تکمیل صنعت و انتشار عمل عکس که فتوگرافی می نامند، از خصایص بزرگ این دولت و اسباب عکس را که موسیو ریشارخان آورده بر روی صفحه ی نقره می انداختند، اسمش را داکترو تپ می گفتند به اسم شخصی که مخترع آن بود. و اینک شماره اساتید عکاسی و مواقع عکاسخانه ها در دارالخلافه تهران صعوبت و اشکالی به کمال دارد. همانا حکمای جدید می فرمایند: اجسام علی کثرتها بر دو قسم می باشند. یکی مادی یعنی دارای وزن مثل جامدات و مایعات و بخارات و دیگری غیرمادی یعنی بلاثقل و بی وزن مثل حرارت و نور و الکتریسیته و مغناطیس و هر یک از این دو قسم دارای دو رشته خاص می باشند. یکی ظاهری که موضوع علم فیزیک است و دیگری باطنی که موضوع علم شیمی است و مسأله عکس از خواص شیمیایی نور می باشد به شرحی که در محل خود معنون است.»^۸

^۸-اعتماد السلطنه، محمد حسن-المآثر و الآثار-در سال ۱۳۰۶ هجری در دارالطباعة دملتی مطبوع گردید-باب هشتم

اعتماد السلطنه در جلد چهارم مرآت البلدان ناصری در صفحه ی ۱۴ کتاب، علاوه بر قسمت ها و ادارات مختلف و دواير مبارکه دولت از قبيل دفتر استيفا، مجلس، مظالم، وزارت عدليه، منشیان ... از اداره صرف جیب به عکاسخانه مبارکه نام می برد که ریاست آن به آقا رضا خان جنرال آجودان مخصوص همایون سپرده شده است.

زیر عکسهای اولیه تاریخ عکاسی ایران معمولا به اسم ملک قاسم میرزا برمی خوریم که عکسهای ایشان تاریخ ۱۲۶۶ هجری قمری را دارد و می توان گفت با توجه به اینکه اولین عکسها داگروتایپ چاپ می شده، عکسهای او نیز از همین روش می باشد.

ناصرالدین شاه خود نیز از اولین عکاسان ایران به شمار می رود. پرتره هایی از شخصیت های تراز اول کشور، تصویر شاه و ملازمانش در شکار، خانواده های سلطنتی اروپا، زنان حرمسرای سلطنتی، همه و همه عکسهایی هستند که توسط ناصرالدین شاه گردآوری شده و در آلبوم هایی در کاخ گلستان نگهداری می شوند.

در دربار ناصرالدین شاه علاوه بر بعضی از پیشخدمتان، افرادی از خویشان نزدیک شاه نیز به این صنعت علاقه مند شدند و بطور جدی این کار را دنبال کردند. علاوه بر ملک قاسم میرزا، عبدالله قاجار، اقبال السلطنه، حسنعلی عکاس باشی، که عکاسان شناخته شده بودند و شاه به آنها لقب عکاسباشی داده بود، یکی از دامادهايش به نام دوست محمد خان معيرالممالک نیز عکاسی را به طور پیوسته دنبال می کرد.

رواج عکاسی در دوره ی مظفری کمتر از دوره ی ناصری بود و رونق کمتری داشت. اما عکاسی در این دوره بیشتر به میان مردم راه یافت و دیگر خاص دربار نبود. با توجه به تقاضاهای زیاد مردم، عکاسخانه

کاخ گلستان یا عکاسخانه های دولتی توان پاسخ به متقاضیان را نداشتند و کم کم عکاسخانه های زیادی

در سطح شهر بوجود آمد.

در سال ۱۳۲۲ ه.ق بهره برداری از دستگاه مولد برق در تهران و نیز در شهرهای دیگر از جمله رشت و

تبریز آغاز شد. از هنگامی که دستگاه مولد برق بهره برداری شد، عکاسان توانستند در آتلیه های خود و با

نورپردازی عکس پرتره بیندازند.

فصل دوم:

نکات فنی عکس های قدیمی

-مدت زمان در عکس برداری

در سال‌های نخستین پیدایش صنعت عکاسی، شخصی که برای برداشتن عکس در مقابل دوربین قرار می‌گرفت، می‌بایست تا چند دقیقه کاملاً بی‌حرکت بماند. یعنی شخص در مقابل دوربین و شیشه‌ی حساس شده‌ی داخل آن در این مدت می‌بایست کاملاً بی‌حرکت بماند. این مساله در موارد ابنیه و اشیاء و وسایل اشکالی نداشت و در مناظر و طبیعت زمانی که طوفان و بادی نمی‌وزید مشکلی ایجاد نمی‌کرد ولی برای جنبنده‌ها اشکال پیش می‌آمد. عکاس گاه چند مرتبه شیشه‌هایی را که اصطلاحاً تکان خورده بود را تعویض می‌کرد. با چنان امکاناتی عکس برداری از مردمی که در حال حرکت بودند کاری دشوار و عملاً غیر ممکن می‌نمود زیرا در آن روزگار فیلم‌ها دارای حساسیت کافی نبوده‌اند که بتوانند بسرعت عکس بردارند.

شیشه‌هایی که در تاریک‌خانه بدست عکاس حساس می‌شد و بعد از خشک شدن در دوربین قرار می‌گرفت، از حساسیت کمی برخوردار بود و عکاس چون با این نقص مواجه بود ناچار به هنگام عکس برداری به فرد یا احیاناً جمعیتی که از آن عکس‌برداری می‌کرد فرصت حاضر شدن می‌داد و به تکان نخوردن و حتی نفس نکشیدن و پلک نزدن تأکید می‌کرد. سپس علامتی می‌داد و بعد از آن درب ذره‌بین (لنز) را برمی‌داشت و شروع به نوردادن به شیشه‌ی حساس شده داخل دوربین می‌کرد.



عدل الدوله، حاکم یزد- (نفر وسط ردیف آخر بر اثر حرکت کاملاً محو شده است)

-صحنه‌های عکس و مونتاژ در عکاسی

بعضی از عکاسان در کارگاه خود وسایلی برای صحنه‌آرایی داشته‌اند که در عکس‌های آنان مشهود است. عکاسان وسایلی از قبیل صندلی و مبل اروپایی و پرده‌های مخمل چین‌دار، قاب آئینه‌ی بزرگ و جا گلدانی بلند و پله‌کان و نظایر آنها بکار می‌برده‌اند و اشخاص را کنار آنها قرار می‌دادند تا در چنان صحنه‌هایی از آنان عکس بردارند. همچنین صحنه‌های باغ و بوستان و آلاچیق و پرده‌های نقش‌دار که اکثراً نقاشی شده بود و پشت سر اشخاص قرار می‌گرفت تا عکس جلوه‌ی باغ و بوستان داشته‌باشد. اصطلاحاً این شیوه‌عکاسی را "استودیو سازی" می‌گفتند. که به‌نظر می‌رسد تقلیدی از شیوه‌های عکاسی‌عکاسان اروپایی باشد. البته ایرانیان این شیوه‌ها را با ذوق و سلیقه‌ی خود می‌آمیختند و فضا و ویژگی‌های بومی خود را حفظ می‌کردند.

بعضی از طریق استودیوسازی و بعضی دیگر در موقع چاپ عکس بر روی کاغذ صحنه‌ای را اضافه می‌کردند که اصطلاحاً این شیوه را "مونتاژ" می‌گویند. این نوع مونتاژ در تاریکخانه صورت می‌گرفت، نحوه کار این بود که عکاس از روی نقاشی یا صحنه یا منظره مورد نظر با اندازه و تناسب دلخواه عکس می‌گرفت و آن را ظاهر می‌کرد و هرگاه کسی برای برداشتن عکس به او مراجعه می‌کرد شیشه عکس او را متناسب شیشه‌ای که قبلاً از منظره یا صحنه گرفته بود انتخاب می‌کرد. این روش را که عکاس صحنه‌ی آن را ساخته بود در اصطلاح "نقاب" یا "ماسک" می‌گفتند.

صحنه مورد نظر در این نقاب یا ماسک که عکس بر روی آن بصورت منفی منعکس می‌شود بطوری تدارک می‌شد که قسمتی از سطح شیشه هیچ‌گونه تصویری نداشته و کاملاً سیاه باشد تا هیچ نوری از آن عبور نکند. این قسمت سیاه در حقیقت به‌اندازه‌ی شیشه اشخاص بود که از آنها عکس بر می‌داشتند و در این محل جاسازی می‌شد و نور می‌دادند. یعنی عکاس در موقع چاپ عکس بر روی کاغذ، یک بار نگاتیو نقاب را که قبلاً تهیه و نزد خود داشت نور می‌داد و یک بار هم نگاتیو شخص و یا اشخاص را بر روی همان کاغذ نور می‌داد. و چون در هر یک از نگاتیوها قسمتی که نور می‌خورد در نگاتیو دیگر

کاملآسیاه بود و نور عبور نکرده بود، در نتیجه هر دو عکس از روی شیشه‌های آن بر روی یک کاغذ منعکس و در هم ادغام، و در اصطلاح *مونتاژ* می شدند.

-چاپ عکس از روی شیشه

از ابتدای صنعت عکاسی تا مدت زیادی چاپ عکس از روی شیشه، به اندازه‌ی همان شیشه ممکن بود. شیشه و کاغذ را با هم منطبق و اصطلاحاً "کتاکت" می کردند. عکس‌های بزرگی که در آغاز ورود صنعت عکاسی مشاهده می شود به اندازه‌ی اصل شیشه است. چون تهیه‌ی شیشه عکس‌های بزرگ، دوربین بزرگ و شیشه‌های حساس شده‌ی بزرگ لازم داشت و فراهم نمودن هردوی آنها مشکلات فراوانی ایجاد می کرد، مبتکرین و متخصصین فن با تلاش فراوان راه حل‌هایی پیدا کردند. که در ابتدا از همان دوربین عکس برداری بطور معکوس جهت بزرگنمایی تصویر استفاده می کردند. و بعد تلاششان منجر به ساخت دستگاهی جداگانه به نام دستگاه چاپ عکس شد. دستگاه چاپ عکس از شیشه هایکوچک قادر بود عکس‌های بزرگ چاپ کند. عمل این دستگاه شبیه به معکوس عمل کردن دوربین بود. ولی با تجهیزاتی که روز به روز بر آن افزودند دستگاهی کامل متناسب با آن زمان ساختند. این دستگاه موجب شد تا بتوانند چاپ عکس از روی شیشه را به هر اندازه که بخواهند انجام دهند و نیازی به تهیه شیشه های بزرگ نباشد..

ابتدا بعلت نبودن برق، در این دستگاه‌ها از نور طبیعی بوسیله انعکاس از آئینه و تابانیدن نور به شیشه ظاهر شده و با عبور نور از ذره‌بین و انعکاس تصویر بر کاغذ عکاسی نوردهی صورت می گرفت. ولی بعد از مدت کوتاهی منبع نور آن مبدل به استفاده از چراغی گردید که با نفت می سوخت و نور ایجاد می کرد. این دستگاه از چهار بخش ترکیب می شد، سه قسمت در بالا و قسمت چهارم، پایه بود که در زیر دستگاه قرار داشت. بدین ترتیب که : قسمت جلوی آن محل ذره‌بین و قسمت وسط محل گذاردن شیشه‌ی نگاتیو و قسمت عقب منبع نور و قسمت چهارم پایه بود که سه قسمت دیگر بر روی آن مستقر